

عنوان مقاله:

مطالعه تطبیقی وکالت ثانوی در فقه، حقوق ایران و انگلیس

محل انتشار:

اولین همایش ملی وکالت، اخلاق، فقه و حقوق (سال: 1393)

تعداد صفحات اصل مقاله: 12

نویسندگان:

مجتبی دارابی نیا - دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی واحد میبد

علی اکبر شفیعی - دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی واحد میبد

خلاصه مقاله:

اعطای وکالت از سوی وکیل به شخص ثالث بر دو قسم اصلی است: الف) توکیل به غیر، بدین نحو که هنگام اعطای وکالت به وکیل، اذن صریح یا ضمنی نیز به وی داده می شود تا بتواند برای انجام مورد وکالت به شخص دیگری وکالت دهد. در این صورت وکیل اول از رابطه حذف نمی شود و برحسب مورد فوت یا حجر وی می تواند بر وکالت ثانوی اثر گذار باشد. ب) تفویض وکالت منتهی به انتقال وکالت به شخص ثالث می گردد و در نتیجه، وکیل اول از رابطه حذف و فوت یا حجر وی نیز اثری در وکالت ثانوی نخواهد داشت. تحقیق حاضر به قسم نخست اختصاص دارد. نگارندگان می کوشند در نوشتار حاضر با رویکردی تطبیقی به فقه، حقوق موضوعه و حقوق انگلیس، مفهوم توکیل به غیر، موقعیت وکیل دوم در رابطه با وکیل اول و موکل، آثار آن و حدود اختیارات وکلا را مورد بررسی و تحلیل قرار دهند.

کلمات کلیدی:

توکیل به غیر، وکیل اول، وکیل دوم، فقه، حقوق ایران، حقوق انگلیس

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/379798>

